

بررسی درک معنایی تداوم و تغییر خانواده (مطالعه موردی: شهر مریوان)

آکو کهنه‌پوشی^۱، علیرضا کلدی^۲، سیدمحمد سیدمیرزایی^۳

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۸/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۱۰/۰۹)

چکیده

در چند دهه اخیر، خانواده و نظام خویشاوندی تحت تأثیر نوسازی و پیامدهای آن قرار گرفته و در این فرایند، نیروهای ساختارشکن زیست‌جهان خانواده ایرانی را دگرگون کرده‌است. به دلیل اهمیت این موضوع، هدف تحقیق حاضر بررسی درک معنایی تغییرات خانواده است. چارچوب مفهومی تحقیق رویکرد پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی و روش‌شناسی مبتنی بر روش تحقیق کیفی است. داده‌ها با استفاده از فنون قوم‌نگاری (مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق و ساخت‌نیافته)، براساس منطق نمونه‌گیری هدفمند و نظری در بین ساکنان شهر مریوان گردآوری و براساس نظریه زمینه‌ای تحلیل و در قالب الگوی پارادایمیک ارائه شد.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

kohnapooshi123@yahoo.com

^۲ استاد جامعه‌شناسی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

^۳ استاد جمعیت‌شناسی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

یافته‌ها شامل هفت مقوله جزء (فضای اجتماعی، تنظیم درون گروهی، حضور نوسازی، تغییرات ارزشی، ارتقای اقتصادی-اجتماعی، و پذیرش) و سه مقوله عمده (خانواده سنتی، پدیده نوسازی و خانواده امروزی شده) هستند. "انتقال نسبی خانواده" مقوله هسته نهایی است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده وقوع تغییرات متعدد در زیست‌جهان خانواده در جامعه تحت بررسی است. براساس درک و تفسیر مردم این جامعه، صورتهای جدیدی از خانواده، تحت تأثیر ورود عوامل نوسازی و سنت‌زدا، جایگزین خانواده سنتی شده‌است که می‌توان آن را با عنوان "انتقال نسبی خانواده" شناخت.

واژگان کلیدی: درک معنایی، تغییرات خانواده، نظریه زمینه‌ای، نوسازی، انتقال نسبی، شهر مریوان.

مقدمه و بیان مسئله

خانواده دیرپاترین نهاد اجتماعی و یکی از بنیان‌های جامعه قلمداد می‌شود که استمرار و بقای آن به نهاد خانواده وابسته است. چنان‌که ویلیام گود^۱ معتقد است خانواده کانون و هسته اصلی شکل اجتماعی است و به‌منزله نظام اجتماعی کوچکی است که زیربنای جامعه بزرگ‌تر را می‌سازد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸). در نتیجه، خانواده به‌مثابه یکی از اجزای جامعه باید در متن جامعه دیده شود و تغییرات آن، همراه یا در پی تغییرات جامعه، تحت مطالعه قرار گیرد. تغییراتی که در طی چند دهه اخیر، با گسترش فرآیند نوسازی در ساختار و کارکرد خانواده به وجود آمده است، وسیع‌تر و از تغییراتی است که در دهه‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم، به‌گونه‌ای که «این تغییرات و دگرگونی‌ها در کشورهای غربی و صنعتی بسیار پیشروی کرده‌اند و در حال جهانی شدن هستند» (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۳). افول خانواده گسترده، گسترش خانواده هسته‌ای، اشتغال زنان و بهبود وضعیت آنان، جایگزینی نظام‌های حمایتی، تغییر نگرش به نقش‌های جنسیتی، کاهش تعداد فرزندان، گرایش به کاهش باروری، بالارفتن سن ازدواج، افزایش آمار طلاق و جدایی، تغییر روابط اجتماعی درون خانواده، تکریم فرزندان^۲ و... از جمله این تغییرات هستند. «این تغییرات در الگوهای خانوادگی مختص کشورهای غربی نیست، بلکه تا حدودی جهان‌شمول است و در بسیاری از جوامع گوناگون اتفاق می‌افتد» (شیخی، ۱۳۸۷:

^۱ William Good

^۲ Prized child

۵۳). «گود معتقد است خانواده در سراسر دنیا با چنین تغییراتی در ابعاد گوناگون روبه‌رو شده و الگوهای مشترکی از تغییر در بسیاری از کشورها و مناطق مختلف به‌وقوع پیوسته‌است» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۰۹). او از این تغییرات با عنوان انقلاب جهانی یاد می‌کند (گود، ۱۹۶۳).

خانواده ایرانی تحت تأثیر «عوامل نوسازی از جمله شهرنشینی، اقتصاد صنعتی، توسعه نظام اداری، توسعه شبکه حمل‌ونقل، بهداشت مدرن، توسعه وسائل ارتباط جمعی و نظام آموزشی مدرن، تغییراتی را در ابعاد ساختاری و کارکردی خود تجربه کرده‌است» (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۶۹). با توجه به اهمیت شناخت فرآیند و پیامدهای گفتمان نوسازی در تاریخ معاصر ایران، با اتخاذ رهیافت تفسیرگرایی در این بررسی، نگاه از درون (امیک)^۱ به تغییرات اجتماعی خانواده صورت می‌گیرد. از این‌رو، درصددیم بدانیم که خانواده در مواجهه با عناصر مدرنیته و هم‌زیستی با آنها در طی چند دهه اخیر چه تغییراتی را تجربه کرده‌است و مهم‌تر اینکه افراد جامعه بررسی‌شده چگونه تغییرات پدیدآمده را درک، تفسیر و معنا می‌کنند؟ بدین ترتیب، هدف اصلی پژوهش آن است که به دو پرسش ذیل پاسخ دهد: ۱. بر اثر ورود عناصر نوسازی به جامعه سنتی مریوان، نظام خانواده چه تغییراتی را تجربه کرده‌است؟ ۲. درک و تفسیر افراد جامعه بررسی‌شده از تغییرات پدیدآمده در خانواده چگونه است؟ هدف دیگر این بررسی این است که نشان دهد با شناخت نظام معنایی افراد جامعه، می‌توان درک مردم را از زیست‌جهان نهاد خانواده و تغییرات آن شناخت و این تغییرات را با دقت و حساسیت فرهنگی رصد و مدیریت کرد.

بررسی یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور با عنوان ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، مبین اهمیت جایگاه نهاد خانواده از دیدگاه مردم ایران است، به‌طوری‌که در پاسخ به این سؤال که «نهاد خانواده برای شما چقدر اهمیت دارد؟» نتایج نشان داد که اهمیت خانواده در اراک ۹۷/۶ درصد، در اردبیل ۹۷/۱ درصد، در ارومیه، ۹۷ درصد، در اصفهان، ۹۶/۲ درصد، در کردستان، ۹۸/۶ درصد، در اهواز، ۹۷/۵ درصد، در ایلام، ۹۸/۲ درصد بوده‌است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰). در نتیجه، مطالعه و بررسی تغییرات ایجادشده در خانواده و عوامل مؤثر بر این تغییرات، به‌ویژه درک نظام معنایی و میان‌ذهنی افراد جامعه اهمیت دارد و ضرورتی علمی تلقی می‌شود. اولین جنبه اهمیت مطالعه حاضر این است که خانواده، به‌مثابه یک نهاد اجتماعی اثرگذار، همواره در کانون توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است. «زندگی خانوادگی و حضور فرد در خانواده از مهم‌ترین ویژگی‌های منحصربه‌فرد حیات

² Emic

اجتماعی و انسانی است» (برناردز، ۱۳۸۴: ۱۶) که «افراد را به ساخت اجتماعی جامعه بزرگ‌تر متصل می‌کند و وظیفه تعادل‌بخشی ایفا می‌کند» (گود، ۱۳۵۲: ۱۶)، تاجایی که می‌توان گفت «هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون بر خورداری از خانواده سالم در سلامت باشد» (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۱). در این میان، آنچه اهمیت دارد این است که خانواده بیشتر از دیگر نهادهای اجتماعی از تغییرات جامعه متأثر است، به گونه‌ای که «هر نوع تغییری در جامعه ریشه در خانواده دارد و اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایرانی یا به واسطه خانواده محقق شده یا اینکه جهت‌گیری آن معطوف به خانواده است» (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۳). در مقابل نیز تغییرات ایجاد شده در جامعه باعث بازتولید تغییرات در نهاد خانواده می‌شود. بر همین اساس، می‌توان گفت «فهمیدن جامعه، بدون درک آن در تمام ابعاد و پاگردهای عمقی اش» (بودن، ۱۳۷۳: ۲۳)، به ویژه خانواده، ناممکن است. اهمیت دیگر انجام چنین مطالعاتی در حوزه خانواده از آنجاست که هر چند «تغییر و تحول در خانواده را از جهات گوناگون می‌توان بررسی کرد» (عبدی، ۱۳۹۳: ۱۳)، جامعه این تحقیق از جمله اجتماعاتی است که هنوز مطالعه علمی در باب ساختارهای اجتماعی آن به ویژه در حوزه خانواده صورت نگرفته است؛ بنابراین، شناخت تغییرات ایجاد شده در حوزه خانواده در این جامعه لازم و ضروری است. از طرف دیگر، ضرورت دارد مطالعاتی در میان جوامع کوچک‌تر با ویژگی‌های فرهنگی متفاوت نیز صورت گیرد تا مشخص شود که آیا تأثیرپذیری خانواده از ورود عناصر نوسازی و سنت‌زدا، در مقایسه با جوامع بزرگ‌تر، به شکل هم‌سان صورت گرفته یا موارد متفاوتی نیز در عرصه این تغییرات وجود دارد. اهمیت دیگر، اینکه مطالعه خانواده، با استفاده از روش‌های نو در رویکردهای کیفی، می‌تواند به نتایج و استدلال‌های نظری و علمی عمیق‌تر منجر شود، که در روش‌های کلاسیک و متعارف کمی و پیمایشی میسر نیست؛ به ویژه درباره «جوامعی که هدف، فهمیدن ماهیت تجربه افراد یا پدیده‌هایی است که درباره آنها اطلاعات کمی وجود دارد» (ازکیا و جاجرمی، ۱۳۹۰: ۱۸).

پیشینه پژوهش

خانواده و خصوصیات آن در طول تاریخ همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران بوده است. «نخستین بررسی‌های جامعه‌شناختی در مورد خانواده توسط ویلهلم هاینریش ریل از آلمان و فردریک لوبلی از فرانسه، درباره خانواده قرن نوزدهم در اروپا شروع شد. آنان شاهد فروپاشی خانواده گسترده و تبدیل آن به خانواده هسته‌ای بودند» (اعزازی، ۱۳۸۶: ۱۳). ویلیام گود در اثر خود، *خانواده و جامعه*، به مطالعه و بررسی تاریخی درباره خانواده پرداخته و درباره تغییرات و ابعاد آن بحث کرده است (گود، ۱۳۵۲: ۲۷۷-۳۱۶). مروری بر مطالعات اخیر در

زمینه تغییرات خانواده در کشورهای دیگر مبین آن است که در هر کدام از این مطالعات، به شکلی، بر تأثیر فرآیند و عناصر نوسازی بر ابعاد تغییر کرده و در حال تغییر خانواده تأکید شده است. برای نمونه، محققانی نظیر مک‌دونالد (۲۰۰۶)، سلترز^۱ و همکاران (۲۰۰۵)، تورنتون^۲ و همکاران (۲۰۰۴)، لستهاق^۳ و سورکین^۴ (۲۰۰۲)، لستهاق (۱۹۸۳) به مطالعه تغییرات در نظام اجتماعی خانواده معاصر و عوامل مؤثر بر آنها با تأکید بر پارادایم توسعه و نوسازی پرداخته‌اند. در این میان، می‌توان به تأثیر نوسازی بر ساختار خانواده پدرمکانی در ویتنام (هیرشمن^۵ و ماین^۶، ۲۰۰۲)، اثرگذاری فرآیند نوسازی بر نظام خویشاوندی در جوامع در حال توسعه و کشورهای عربی (الحاج^۷، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸)، تأثیر نوسازی و عوامل فرهنگی-سنتی بر زمان ازدواج در سریلانکا (مالهوترا^۸ و تسوی^۹، ۱۹۹۶)، مطالعه تغییرات اجتماعی و قوانین خانواده در چین (بوکسباوم^{۱۰}، ۱۹۷۸)، پیامدهای نوسازی مانند شهرنشینی، گسترش آموزش و تحصیلات بر مشارکت زنان در بخش مدرن اقتصاد مالزی (جونز^{۱۱}، ۱۹۸۱)، و تغییرات خانواده و تعادل جدید نقش‌های خانواده در بستر نوسازی در سبیری (میکهوا،^{۱۲} ۲۰۰۷) اشاره کرد.

در داخل ایران، بررسی‌های گوناگونی درباره نظام خانواده، ابعاد، ویژگی‌ها، تغییرات و پویایی آن صورت گرفته‌است. در بعضی از این مطالعات به تأثیرگذاری عوامل اجتماعی از جمله ورود عناصر مدرن در تغییرات خانواده اشاره شده‌است. از آن جمله می‌توان به بازسازی معنایی پیامدهای نوسازی در خانواده (محمدپور، ۱۳۹۲ ج)، مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده (شکریگی، ۱۳۹۰)، زمینه‌های فرزندآوری پایین در کردستان ایران (رضایی، ۱۳۹۰)، مدرنیزاسیون، خانواده، و تجربه گذار جمعیت‌شناختی در کردستان (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲)، تداوم و تغییر خانواده ایرانی در بستر گذار جمعیتی (سرابی، ۱۳۸۶)، تغییرات خانواده و تأثیر

¹ Seltzar

² Thoronton

³ Lesthaeghe

⁴ Surkyn

⁵ Hirshemam

⁶ Minh

⁷ Al-Haj

⁸ Malhotra

⁹ Tsui

¹⁰ Buxbaum

¹¹ Jones

¹² Mikheeva

عوامل ساختاری و ایده‌ای بر آن (عباس‌شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۷)، تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۷۹)، پیدایش شکل‌های جدید خانواده (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۱)، خانواده و تغییر خانواده در ایران (آقاجانیان، ۲۰۰۱)، تبدیل خانواده گسترده به هسته‌ای (سیدربیع، ۱۳۷۹)، تغییر ساختار قدرت در خانواده (لاجوردی، ۱۳۷۶)، تجارت مرزی و تفسیر مردم از تغییرات جهان زیست خانواده (قادری و محمدپور، ۱۳۹۲)، و ورود عناصر مدرن و پیامدهای آن در مناطق روستایی کردستان ایران (ازکیا و احمدشر، ۱۳۹۱) و... اشاره کرد.

مطالعات خارجی حوزه خانواده همگی بر این نکته تأکید کرده‌اند که خانواده در دنیای معاصر تحت تأثیر عناصر و فرایندهای نوسازی، تغییرات اجتماعی مدرن و دگرگونی‌های وسیعی را تجربه کرده‌است. مطالعات داخلی، هرچند بیشتر از رویکردهای کمی و پیمایشی بهره جسته‌اند، سیمایی نسبتاً روشن از جامعه ایران درباره خانواده و تغییرات آن فراهم آورده‌اند و تا حدودی الهام‌بخش تحقیق حاضر بوده‌اند. براین اساس، مطالعه حاضر از چند نظر از مطالعات پیشین متمایز است: نخست اینکه، با اتخاذ رویکرد تفسیرگرایی، تا حدودی، از بسیاری پژوهش‌های پیشین متمایز است؛ دوم اینکه، این بررسی در شهرستان مریوان در استان کردستان صورت گرفته که دارای ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و گاه جغرافیایی متمایز از نقاط دیگر استان کردستان و ایران است؛ سوم، نوعی الگوی تغییرات بومی-محلی را جهت طراحی سیاست‌های توسعه محلی و مدیریت علمی تغییرات اجتماعی خانواده در جامعه تحت مطالعه فراهم می‌کند.

چارچوب مفهومی

در این تحقیق، با آگاهی از «تفاوت فلسفی - پارادایمی دو روش کمی و کیفی» (ایمان، ۱۳۹۱ الف: ۱۲۳)، و برخلاف «روش‌های کمی که از چارچوب نظری^۱ جهت تدوین و آزمون فرضیات استفاده می‌کند» (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۸۷)، «از چارچوب مفهومی^۲ به عنوان مجموعه‌ای از مفاهیم و ایده‌های استفاده می‌شود که محقق کیفی در فضای آن کار می‌کند» (محمدپور، ۱۳۹۲ ب: ۲۳۳) و بعضاً منبع طرح سئوالات است. در طراحی چارچوب مفهومی، ادبیات نظری، مطالعات پیشین و تجربیات محقق اهمیت بسزایی دارد و این به آن معنی است که «در تحقیق

¹Theoretical Framework

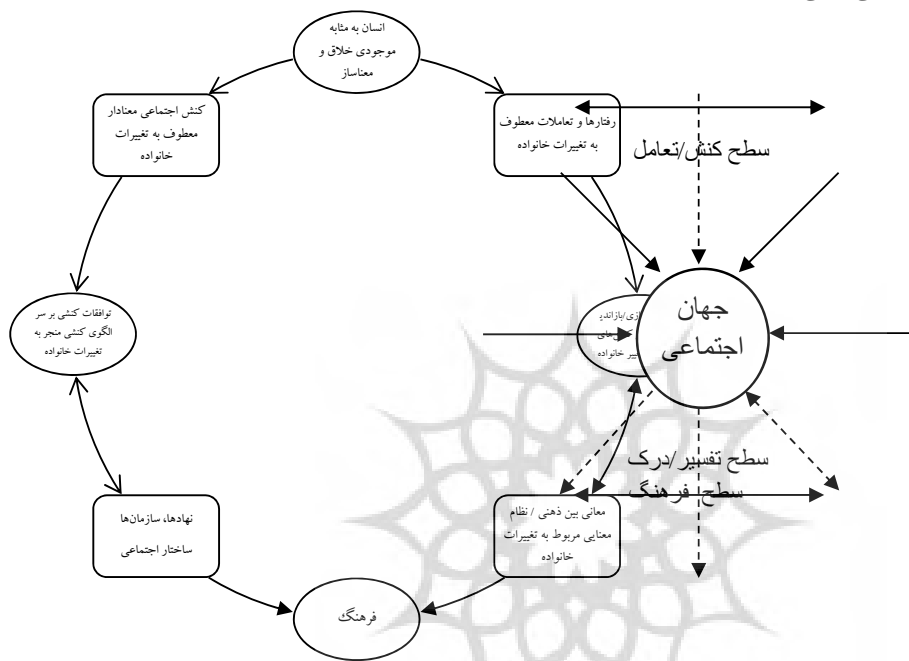
² Conceptual Framework

کیفی و مردم‌نگارانه محقق همواره دارای ذهن نظری است، اما از اتکا به نظریهٔ صوری^۱ برای نظریه‌آزمایی^۲ دوری می‌کند» (محمدپور، ۱۳۹۲ الف: ۲۴۲) که این امر به‌تعبیر آنسلیم استراوس «به بازشدن ذهن محقق یا ایجاد حساسیت نظری^۳ کمک می‌کند» (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۵۲). برای تدوین چارچوب مفهومی تحقیق حاضر از رویکرد تفسیرگرایی استفاده شده است. «این رویکرد دربرگیرندهٔ شماری از نظریه‌های جامعه‌شناختی خاص است که بر سطوح خرد زندگی اجتماعی تأکید دارند و جوامع را محصول پیامدهای تعاملات اجتماعی خرد می‌دانند» (نیومن، ۱۳۹۲: ۱۸۳). پارادایم تفسیری-ساختی انسان را موجودی فعال، خلاق و معناساز تعریف می‌کند که پیوسته در حال ساخت‌وساز و معنادارکردن زندگی اجتماعی و واقعیات اجتماعی روزمره است و از دیدگاه آن محیط اجتماعی برخلاف رویکرد اثباتی به خودی خود فاقد معناست و صرفاً از طریق الصاق معانی و نمادهای عینی معنادار می‌شود. در این رویکرد، بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تأکید می‌شود و واقعیات در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها و در خلال زندگی روزمره ساخته و معنادار می‌شوند؛ بنابراین، نه‌تنها نحوهٔ درک و تفسیر انسان‌ها از واقعیت اهمیت دارد، بلکه اشکال متعددی نیز دارد. «از این نظر، ما نه با یک واقعیت واحد و مشخص، بلکه با واقعیات متعدد و گوناگون روبه‌رو هستیم» (میرزایی، ۱۳۹۵ الف: ۱۲۶ و ۱۲۷). همچنین، «به‌جای تمرکز بر بستر و محیط اجتماعی، برای توضیح رفتارهای اجتماعی بر فرهنگ یا همان ساخت‌وسازهای انسانی و بر خلاقیت انسان در این فرایند تولیدی متمرکز است» (ایمان، ۱۳۹۱ الف: ۸۸). براساس خلاق‌بودن و معناسازی انسان در پارادایم تفسیرگرایی، چارچوب مفهومی تفسیری در تحقیق حاضر به‌صورت ذیل در قالب سه سطح کنش/تعامل، تفسیر/درک و سطح فرهنگ و روابط درونی آنها در شکل ۱ به‌تصویر کشیده شده‌است. این چارچوب مفهومی به‌روشنی حوزهٔ نظری لازم برای مطالعهٔ تغییرات اجتماعی خانواده را در جامعهٔ مورد نظر ما روشن می‌کند. بدین‌معنا در این میدان فرهنگی باید تغییرات خانواده را نتایج کنش اجتماعی در نظر گرفت که در خود معانی خاصی دارد. این معانی در بطن تعامل‌های اجتماعی وجود دارد و نتیجهٔ نیروهای نهادی مختلف موجود در زندگی

¹ Formal Theory

² Theory Testing

اجتماعی ساکنان منطقه است؛ مهم‌تر اینکه، نتیجه درک و تفسیر مردم از این نیروهاست. این نیروها ممکن است در مراکز دولتی خاستگاه برنامه‌ریزی شده داشته باشند یا ناشی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی بومی یا درک خلاقانه افراد از آنها باشند.



شکل ۱. الگوی مفهومی تفسیری - برساختی تغییرات خانواده

(منبع: محمدپور ۱۳۹۲ الف: ۵۵؛ نیومن، ۱۳۹۲: ۱۵۷ و ۱۸۶)

مطالعه نگاه از درون (امیک) تغییرات خانواده در منطقه تحت مطالعه مستلزم توجه عمیق به مفاهیم حساس، معانی بین‌ذهنی و معانی پایه‌گذار این نوع تغییرات است. در این میان، باید فهمید کدام تفاسیر، معانی و نیروها محور ایجاد این نوع تغییرات در مریوان است و بیش از هر چیز محصول کدام دسته از نیروهاست. آیا به‌غیر از نیروهای متعارفی که تاکنون برای این پدیده مطرح شده، دلایل و معانی بومی خاصی را نیز می‌توان در تفاسیر مردم یافت که برخاسته از وضعیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این میدان فرهنگی باشد؟ این الگو به‌لحاظ مفهومی فرایند تفسیر و معناسازی و رابطه بین ابعاد رفتاری و کنش نهادها و معانی بین‌ذهنی مرتبط با تغییرات اجتماعی خانواده را در جامعه تحت بررسی نشان می‌دهد. الگوی پیش‌گفته

الگویی علی نیست، بلکه الگویی مفهومی است که به هیچ وجه هدف آن قراردادن تغییرات اجتماعی خانواده به منزله متغیر وابسته نیست که نتیجه و پیامد متغیرهای مستقل باشد تا براساس آن آزمونی صورت گیرد یا اساساً الگوزمایی انجام شود، بلکه هدف نشان دادن ابعاد تفسیری و برساختی تغییرات خانواده در سطح مفهومی است و اینکه پدیده مزبور چگونه در زندگی اجتماعی و تجربه روزانه ما (فرهنگ) جریان دارد. براین اساس، در این پژوهش سعی شده است با این رویکرد به درک معنایی تغییرات خانواده در شهر مریوان پرداخته شود تا روشن شود که این مردم چه درکی از این تغییرات دارند و پیامدهای این تغییرات را چگونه تفسیر می کنند.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، به تبعیت از موضوع روش‌شناسی پارادایم تفسیری، روش‌شناسی کیفی انتخاب شده است. در رویکرد تفسیرگرایی، واقعیت براساس درک ذهنی انسان‌ها ساخته می‌شود و محقق تفسیری بر نوع ساخت اجتماعی صورت‌بندی شده تمرکز دارد. «هدف محقق در این رویکرد رسیدن به معنا، بازسازی آن و درک و تفسیری است که دیگران در مورد جهان دارند» (کرسول، ۱۳۹۱: ۲۱). از روش مردم‌نگاری^۱ برای گردآوری داده‌های تحقیق استفاده شده است که در آن داده‌ها با کمک تکنیک مصاحبه عمیق و ساخت‌نیافته و مشاهده مشارکتی (ارتباط و تعامل با مردم تحت مطالعه) جمع‌آوری شده‌اند. این روش با رویکرد پارادایمیک تفسیرگرایی اجتماعی متناسب است و «شکلی از بررسی اجتماعی است که بر شیوه درک و تفسیر مردم از جهانی که در آن زندگی می‌کنند تأکید دارد و به آنچه که مردم انجام می‌دهند می‌پردازد» (سیلورمن، ۱۳۹۳: ۱۶۰). علاوه بر آن، استفاده از این روش درک و فهم فرایندهای اجتماعی را در بستر بومی آنها امکان‌پذیر می‌کند و «این امر به مقوله نگاه از درون (امیک) این روش مربوط است و دستیابی به معانی فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد» (محمدی، ۱۳۹۰: ۹۵). در بخش تجزیه و تحلیل داده، جهت ارائه نظریه داده‌محور از نظریه زمینه‌ای^۲ استفاده شده است که هدفش دستیابی به نظریه‌ای مبتنی بر شواهد برآمده از میدان فرهنگی مطالعه و کشف نظریه‌ای جدید است.

^۱ Ethnography

^۲ Grounded Theory

روش نمونه‌گیری و جامعه هدف

در این تحقیق به پیروی از روش‌های کیفی، از نمونه‌گیری هدفمند^۱ و نظری^۲ استفاده شده است. در نمونه‌گیری هدفمند محقق به دنبال آن دسته از افرادی می‌رود که در زمینه موضوع پژوهش از اطلاعات و آگاهی بیشتری برخوردارند که «این افراد را اصطلاحاً مطلع^۳ یا دروازه‌بان^۴ می‌نامند» (نیومن، ۱۳۹۰: ۳۶۲)، که در آن، «تناسب داشتن افراد با موضوع پژوهش است که شیوه انتخاب افراد را تعیین می‌کند نه معرف بودن آنها» (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۳۸). در این تحقیق به پیروی از نیومن، که معتقد است «این افراد باید دارای ذهن غیرتحلیلی باشند، با زبان بومی میدان فرهنگی تحقیق صحبت کنند و به نوعی دارای دانش عامیانه باشند» (نیومن، ۱۳۹۰: ۳۷۳)، این ویژگی‌ها در نظر گرفته شد. در این بررسی این افراد غالباً زنان و مردان ۵۰ ساله و بالاتر بودند؛ چراکه این افراد خود شاهد ورود این عناصر و نحوه تأثیرگذاری آن در گستره جهان زیست خانواده بوده‌اند و دارای تجربه هم‌زیستی با این عناصر بودند و از این رو اطلاعاتی در این زمینه داشتند. از «نمونه‌گیری نظری در فرایند گردآوری داده‌ها برای تولید نظریه زمینه‌ای استفاده شده است» (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۳۸). «این نوع نمونه‌گیری براساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل ظهور می‌یابند و تا زمانی که تمام مقوله‌ها به اشباع نظری^۵ برسند ادامه می‌یابد» (میرزایی، ۱۳۹۵: ب: ۲۴۷). اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در یک مرحله از کار شباهت مفاهیم به دست آمده زیاد است و مفاهیم جدید ظهور نمی‌یابند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۲۳۰). در فرایند جمع‌آوری داده‌ها و مصاحبه با ۳۴ نفر از مطلعان محلی اشباع نظری حاصل شد، اما جهت اطمینان بیشتر با ۴۲ نفر از این افراد مصاحبه صورت گرفت. در این بررسی مفاهیم و مقولات به دست آمده در باب هریک از سؤالات با برخی از مشارکت‌کنندگان و مطلعان کنترل شد و اعتبار این یافته‌ها از طریق روش اعتبار اعضاء^۶ بررسی و تأیید شد.

¹ Purposive Sampling

² Theoretical Sampling

³ Informant

⁴ Gatekeeper

⁵ Theoretical Saturation

⁶ Member Validation

میدان مطالعه

شهرستان مریوان، در غرب استان کردستان، هم‌جوار با کشور عراق واقع شده‌است. جمعیت این شهرستان، براساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، برابر با ۱۹۵۲۶۲ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهرستان شامل ۳ شهر، ۶ دهستان و ۱۵۳ آبادی دارای سکنه است. کوهستانی‌بودن منطقه، بارش‌های مناسب سالانه و پوشش جنگلی این اقلیم و وجود دریاچه آب شیرین زریبار، ویژگی‌های مناسبی را در این منطقه فراهم کرده‌است. معیشت بیشتر مردم منطقه مبتنی بر دامداری، کشاورزی خرده‌پا و سطحی، باغداری، تجارت مرزی، کول‌بری، فعالیت‌های خدماتی و کارمندی است. معیشت مردم این جامعه ترکیبی از روش معیشت سنتی و مدرن است. در فاصله ۱۶ کیلومتری غرب این شهرستان مرز رسمی و بین‌المللی باشماق قرار دارد که در حال حاضر فعالیت‌های رسمی و تجارت بین‌المللی در آن جریان دارد و محل ترانزیت کالا به کشورهای عراق، ترکیه و... است. از لحاظ مذهبی اکثر ساکنان این منطقه مسلمان و سنی شافعی هستند. امروزه، در این منطقه تحول‌های ناشی از ورود عناصر نوسازی در بخش‌های گوناگون به‌وضوح مشاهده می‌شود. مجموعه این عوامل به پیدایش تعامل‌هایی متفاوت و متمایز با گذشته در میان کنشگران این جامعه منجر شده‌است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق از روش نظریه زمینه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده‌است که «هدف آن ایجاد یک نظریه جدید مبتنی بر داده‌های تجربی و شواهد حاصل از زمینه» (نیومن، ۱۳۹۲: ۳۵۸) با «انجام منطقی مجموعه‌ای از فرایندهای معین براساس دیدگاه بسیاری از مشارکت‌کنندگان است» (ایمان، ۱۳۹۱ ب: ۶۹). در فرایند ساخت نظریه زمینه‌ای، اطلاعات جمع‌آوری شده به مفاهیم کدگذاری^۱ شده تبدیل و در بافتار فرایندی به هم متصل می‌شوند. «کدگذاری فرایند جداسازی، مفهوم‌بندی و ادغام و یک‌پارچه‌کردن داده‌هاست» (محمدپور، ۱۳۹۲ الف: ۳۲۸). در این فرایند، روش‌های کدبندی به ترتیب عبارت‌اند از: کدبندی باز،^۲ کدبندی محوری^۳ و کدبندی انتخابی،^۴ که براساس آن، نظریه زمینه‌ای، رویه‌ای برای مفهوم‌بندی^۵ داده‌ها

^۱ coding

^۲ Open Coding

^۳ Axial Coding

^۴ Selective Coding

^۵ مفهوم‌ها بلوک‌هایی هستند که بنای نظریه از آنها تشکیل شده است.

(کدگذاری باز)، مقوله‌بندی^۱ و ارتباط‌دادن مقولات (کدبندی محوری)، ساخت خط داستان^۲، که مقولات را به یکدیگر مرتبط می‌کند (کدبندی انتخابی)، و پایان‌بخشیدن به آن با مجموعه ای از قضایای نظری یا همان الگوی پارادایمی است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۲۱ و ۱۶۵). در کدگذاری باز، داده‌های مربوط به پدیده بررسی و به‌دقت نام‌گذاری و مقوله‌بندی شدند. مفاهیم به‌دست‌آمده در این مرحله سنگ‌بنای مقوله‌ها در کدبندی‌های محوری و انتخابی است. در کدگذاری محوری داده‌هایی که در کدبندی باز به‌صورت پراکنده جمع‌آوری شده بودند، در قالب مقولات و خوشه‌های مرتبط و منظم سازمان داده می‌شوند. بعد از این مرحله، مقولات عمده براساس ابعاد شرایطی، تعاملی/ فرایندی و پیامدهای دسته‌بندی در یک خط داستان به یکدیگر متصل می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۶۴) که زمینه را برای کدگذاری انتخابی و استخراج مقوله هسته فراهم می‌کنند. کدگذاری انتخابی مرحله نهایی در فرایند کدبندی داده هاست که در آن مقوله‌های پیداشده اصلی در مقوله جدیدی که در سطح انتزاعی‌تری قرار دارد یک‌پارچه می‌شوند و مهم‌ترین مضمون پژوهش، که ساخت نظریه زمینه‌ای است، ظهور می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۲ الف: ۳۴۰).

یافته‌ها

پس از برگزاری چند مصاحبه اولیه، به‌منزله مقدمه ورود به میدان، با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و باز با افراد مطلع، به پاسخ سؤالات پرداخته شد. در این پژوهش، بعد از فرایند کدگذاری، ابعاد تحت بررسی به‌صورت ماتریس مفاهیم و مقوله‌ها تقلیل پیدا کرد که در شکل ۲ آمده‌است. این ماتریس^۳ مفاهیم مراحل مختلف کدبندی و مقوله‌بندی تا رسیدن به مقوله هسته نهایی را نشان می‌دهد. شکل ۳ ارتباط بین مقولات -خط داستان- را براساس سه بعد شرایطی، تعاملی و پیامدی در دو مقطع زمانی به‌تصویر کشیده‌است.

^۱ مقوله‌ها مفهومی‌اند که معنای پدیده‌ها را می‌رسانند.

^۲ story line توضیح مفصل و جزء‌به‌جزء مقوله‌های عمده با ارجاع به یادداشت‌ها، خلاصه‌ها و استناد به نقل قول از افراد تحت مطالعه است.

^۳ ابزاری برای کدگذاری است و به تحلیلگر کمک می‌کند که چندین نکته تحلیل را هم‌زمان در ذهن نگه دارد. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از اندیشه‌ها روی نمودار است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۲۰۲).

شکل ۲. ماتریس مفاهیم، خرده‌مقولات و مقولات عمده به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی، پیامدی

مفهوم	مقولات جزء	بعد مقوله	مقولات عمده	بعد مقولات عمده	مقوله هسته			
خانواده در حال انتقال نسبی	فضای اجتماعی	شرایطی	خانواده سنتی	پیامدی (اولیه)	مقوله هسته			
		تنظیم درون گروهی				تعاملی		
	حضور نوسازی	شرایطی	خانواده پدید آمده نوسازی	شرایطی (ثانویه)		مقوله هسته		
		تغییرات ارزشی					تعاملی	
	تمایلات فردگرایانه	تعاملی	خانواده امروزی شده	پیامدی (ثانویه)			مقوله هسته	
		ارتقای اقتصادی - اجتماعی						تعاملی
		پذیرش						تعاملی
	تغییر الگوهای همسرگزینی، افزایش آسیب‌های خانواده، گرایش به تقارن در تعاملات خانوادگی، الگوپرداری غیربومی	تغییرات ارزشی	تعاملی	پیامدی (ثانویه)				مقوله هسته
	اتکا به خود، استقلال مالی، خانواده هسته‌ای	تمایلات فردگرایانه	تعاملی	پیامدی (ثانویه)				
	بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان، بهبود سطح معیشت خانواده، ارتقای سطح آگاهی، توجه به فرزندان	ارتقای اقتصادی - اجتماعی	تعاملی					
بهداشت مدرن، الگوپرداری از رسانه‌ها، آموزش دختران، استقبال از تغییرات، ارتباطات غیرمحلی	پذیرش	تعاملی						
تعداد مفاهیم و مقولات	۳۴	۷	۳	۱				

در کدگذاری باز سطح اول، ۳۴ مفهوم اولیه استخراج شد که در کدگذاری باز سطح دوم به ۷ مفهوم تقلیل پیدا کرد. سپس، این مفاهیم به ۳ مقوله عمده تبدیل شدند. مقولات استخراج شده، براساس ارتباط معنایی، در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و در نهایت، در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله محوری هسته استخراج شد. جهت ارائه نظریه زمینه‌ای، در الگویی تلفیقی، هم‌گرا و دارای سطح انتزاعی بالاتر، مقولات عمده و محوری ترکیب شدند و بر سؤال اصلی پژوهش تمرکز شد.

فضای اجتماعی

بر مبنای داده‌های حاصل از مصاحبه با ساکنان محلی، ضعف اقتصادی، سلطه خونین، پدرسالاری و بی‌سوادی تعیین‌کننده‌های ساختاری نوع ویژه‌ای از خانواده در دوران گذشته در میان مردم مریوان بوده‌است. با توجه به آنچه در ماتریس مفاهیم در جدول ۱ آمده‌است، این چهار مفهوم، مقوله اصلی فضای اجتماعی را به وجود آورده‌اند که زمینه‌های شکل‌گیری خانواده سنتی را فراهم آورده بودند. فضای اجتماعی خلق شده، به شیوه‌ای گسترده، ساختارهای فرافردی را به وجود آورده و در شکل‌بخشیدن به کنش‌های کنشگران اجتماعی آن دوران در حوزه خانواده و نظام خویشاوندی مؤثر بوده‌است. برای نمونه، یکی از مطلعان درباره مقوله ضعف اقتصادی می‌گوید:

«در آن زمان همه فقیر بودند، خود ما در خانواده هشت نفر بودیم، زمین نداشتیم، دام نداشتیم، هیچ منبع درآمدی نبود. واقعاً روزگار را با سختی می‌گذرانیدیم.»

فرد دیگری درباره سلطه خان‌ها می‌گوید:

«در منطقه ما بگ‌ها همه‌کاره بودند، ارباب بودند، آنها صاحب زمین و حتی آب بودند. مردم تابع آنها بودند، به مردم می‌گفتند که چه کار کنند، مردم بدون نظر آنها نمی‌توانستند به سیاه و سفید دست بزنند.»

تنظیمات درون‌گروهی

بر اساس داده‌ها، پدرمکانی، تولیدمثل زیاد، روابط وسیع خویشاوندی، طایفه‌گرایی و ازدواج‌های دیگرتنظیمی، زیر عنوان مقوله اصلی تنظیمات درون‌گروهی آمده‌است. بر اساس این مقوله، بسیاری از روابط و تعاملات به شکل درونی و تحت تأثیر روابط خانوادگی و خویشاوندی شکل می‌گیرد و سنت‌ها تعیین‌کننده شکل‌گیری خانواده‌اند. فضای اجتماعی و تنظیمات درون‌گروهی، از دیدگاه مطلعان محلی، مهم‌ترین ویژگی‌های خانواده در گذشته شهر مریوان بودند و زمینه نوع ویژه‌ای از خانواده را با عنوان خانواده سنتی فراهم آوردند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره پدرسالاری می‌گوید:

«در آن دوران مثل امروز نبود که زن‌ها رئیس هستند. در خانواده پدر همه‌چیز را تعیین می‌کرد، کسی نمی‌توانست حرفی بزند، اعتراض کند. او تعیین می‌کرد که دختر یا پسر با چه کسی ازدواج کند. برای پسران خود زن می‌گرفت، دختران خود را شوهر می‌داد، در بسیاری موارد زن و مرد تا روز عروسی همدیگر را نمی‌دیدند.»

تحت تأثیر ظهور عناصر نوسازی، ساختار نظام خانواده و خویشاوندی تغییر و تحول‌های گوناگونی را تجربه کرده‌است. هم‌زیستی با این عناصر، خانواده سنتی را دگرگون و زمینه را برای شکل‌گیری نوع ویژه‌ای از خانواده فراهم می‌کند.

خانواده سنتی

براساس نظر مردم مریوان، در گذشته تولیدمثل زیاد، پدرمکانی، روابط خویشاوندی وسیع، طایفه‌گرایی و ازدواج‌های دیگرتنظیمی در حوزه خانواده و خویشاوندی مقوله‌ای اصلی را زیر عنوان خانواده سنتی شکل داده‌اند که نتیجه تعامل‌ها و فضای اجتماعی آن دوران است. این مقوله در سطح کلی شکل‌بندی خانواده را نشان می‌دهد، که ساختار و کارکرد این نوع خانواده تا حدود بسیار زیادی از طریق ویژگی‌ها و عوامل محلی و بومی مشخص می‌شد و نظم حاکم بر آن برگرفته از منابع بومی بود. براین اساس، همان‌گونه که در جدول ۱ آمده‌است، مقوله فضای اجتماعی و تنظیم درون‌گروهی زمینه شکل‌گیری این نوع ویژه از خانواده را فراهم کرده بود. یکی از ساکنان بومی درباره شبکه وسیع خویشاوندی و پدرسالاری می‌گوید:

«در آن زمان، رابطه بین اطرافیان و خویشاوندان زیاد بود. همه به همدیگر سر می‌زدند، از احوال هم با خبر بودند، خانواده ما با عموهاییم در یک خانه بودیم، عمومی بزرگ‌ترم برای ما تصمیم می‌گرفت، حتی در انتخاب همسر برای تمام اعضای خانواده او تصمیم می‌گرفت، همه تابع نظر او بودند.»

پدیده نوسازی

مطلعان محلی درباره اینکه چه عواملی در تغییرات حوزه خانواده مؤثر بوده‌اند، به مواردی مثل رسانه‌های جمعی، آموزش مدرن، گسترش مجاری ارتباطی، گسترش بهداشت، بهبود وضعیت معیشت مردم، ورود تکنولوژی، دنیاگرایی و ورود دولت اشاره کرده‌اند، که زیر عنوان مقوله اصلی پدیده نوسازی قرار گرفته‌است. از دیدگاه آنان، ورود این عناصر به جامعه سنتی مریوان، به‌منابۀ پدیده‌ای خارجی، بسیاری از مناسبات اجتماعی را در حوزه نظام خانواده خویشاوندی تحت تأثیر قرار داده‌است. در زمینه آموزش مدرن، یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«من دو دختر دارم که هر دو معلم هستند، پسرم مهندس برق است و کارمند است. آن زمان برای ما امکان تحصیل و درس خواندن نبود.»

فرد دیگری درباره اهمیت گسترش بهداشت می‌گوید:

«امروزه مردم خیلی آگاه هستند، در گذشته زنان بچه زیاد به دنیا می آوردند، امروز این طور نیست. وسائل بهداشتی و پیشگیری جمعیت را کاهش داده است. پدر و مادر من هفت فرزند به دنیا آورده اند، الان مردم زیاد بچه نمی آورند و اگر تصمیم به بچه دار شدن بگیرند، دو سه تا می آورند. مردم به دکترها توجه می کنند و حرف آنها را گوش می دهند».

ورود عناصر نوسازی در این جامعه به تدریج اتفاق افتاده است. این فرایند و مؤلفه های آن را می توان «شرایط ثانویه» تلقی کرد، که در اثر آن، مردم جامعه درگیر تعامل هایی شده اند که زیر عنوان تغییرات ارزشی، تمایلات فردگرایانه، ارتقا و پذیرش ذکر شده اند. این مقولات نیز، در دوره اخیر، نوع جدیدی از خانواده را شکل داده اند که در ادامه ذکر می شود.

تغییرات ارزشی

ورود عناصر نوسازی در این جامعه، که شرایطی با عنوان شرایط ثانویه فراهم کردند، تعامل های ثانویه را، از قبیل تغییر الگوهای همسرگزینی، افزایش آسیب های خانواده، و گرایش به تقارن در تعامل درون خانوادگی، نشان داده است که این مفاهیم در قالب مقوله تغییرات ارزشی مقوله بندی شده اند و یکی از وجوه تغییرات خانواده بعد از حضور عناصر نوسازی در این جامعه است. یکی از مطلعان درباره تغییر الگوهای انتخاب همسر می گوید:

«برادر من، در گذشته ما در انتخاب همسر خود اختیاری نداشتیم، پدر و عمو و دایی و قوم و فامیل برای تصمیم می گرفتند و زن و شوهر تا روز عروسی همدیگر را نمی دیدند، اما امروزه اوضاع خیلی فرق کرده است. دختر و پسر خودشان تصمیم می گیرند، برادرزاده من در اراک درس می خواند، یک دختر تبریزی گرفته و حالا هم دارند با هم زندگی می کنند».

تمایلات فردگرایانه

بر اساس این مقوله، مردم مریوان معتقدند که میزان و تراکم روابط اجتماعی و تعاملی در جامعه کنونی آنان تحت تأثیر بعضی از عناصر نوسازی نسبت به گذشته کاهش یافته و تا حدودی محدود شده است. آنان اظهار کرده اند که امروزه اتکا به خود، استقلال مالی و گرایش به خانواده هسته ای از پیامدهای تعامل با این عناصر است. این مفاهیم زیر عنوان مقوله تمایلات فردگرایانه

قرار گرفته است. آنان معتقدند که تمایلات فردگرایانه نظام اجتماعی خانواده سنتی را دست خوش تغییر کرده و تاحدودی در پیدایش صورت تازه‌ای از خانواده مؤثر بوده‌اند. در این زمینه، یکی از ساکنان دربارهٔ استقلال مالی می‌گوید:

«مردم امروز کمتر به دیگران احتیاج دارند. هرکسی می‌تواند برای خود چیزی دست‌وپا کند و زندگی خود را بچرخاند».

فرد دیگری اظهار کرده است:

«روابط مردم کم شده است، مثل گذشته نیست. مردم زیاد با همدیگر گرم نیستند، بیشتر به خود فکر می‌کنند، به دنبال زندگی خود هستند. البته مشغله هم زیاد شده است».

ارتقای اقتصادی - اجتماعی

درک و ارزیابی ساکنان میوان از بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان، بهبود سطح معیشت خانواده، تکریم فرزندان، و ارتقای سطح آگاهی زیر مقولهٔ ارتقای اقتصادی-اجتماعی آمده است. آنان بر این عقیده‌اند که تغییرات اجتماعی-اقتصادی در نتیجهٔ ورود نوسازی به اجتماع و اقتصاد سنتی آنها ایجاد شده است که در تغییر و دگرگونی نظام خانواده و خویشاوندی مؤثر بوده است. درک پیامدهای این تغییرات به مثابهٔ «ارتقای اقتصادی-اجتماعی» متأثر از زمینه‌ها و بسترهایی بوده است که در پیدایش صورت جدیدی از خانواده، متفاوت با گذشته، مؤثر بوده است. در این زمینه، یکی از مطلعان محلی دربارهٔ ارتقای اقتصادی-اجتماعی می‌گوید:

«برادر من، شکر خدا، اوضاع مردم خیلی متفاوت است. با گذشته بسیار فرق دارد. وسائل زندگی فراوان است. آب هست، برق هست، گاز شهری داریم، خانواده‌ها در آسایش هستند، کار و کاسبی مردم هم خوب است، هرچند این روزها کاسبی کم شده است».

فرد دیگری گفته است:

«امروزه فرزندان خودشان حساب هستند. پدر و مادر خیلی به آنها توجه می‌کنند. دختران به مدرسه می‌روند، دانشگاه می‌روند. اگر به اداره‌ها و بانک‌ها سر بزنی می‌بینی که زنان در آنجا کارمند هستند، برای خود کسی هستند، دستشان در جیب خودشان است».

پذیرش

براساس داده‌ها، ورود عناصر نوسازی، به‌منزله شرایط ثانویه، تعامل‌های ثانویه را به‌وجود آورده است. برای نمونه، هم‌زیستی با عناصر مدرن، از قبیل بهداشت مدرن، الگوبرداری از رسانه‌ها، آموزش دختران، استقبال از تغییرات، و ارتباطات غیرمحلی، از جمله این تعامل‌های ثانویه است و زیر عنوان مقوله «پذیرش» در ماتریس مفاهیم به آن اشاره شده‌است. افراد این جامعه، به دلیل مشکلاتی که در گذشته تجربه کرده‌اند، اظهار کرده‌اند که «دوره جدید» امکاناتی در اختیار آنان گذاشته‌است که به بهبود وضعیت زندگی آنان کمک کرده‌است. هم‌زیستی با این امکانات، تغییراتی در ساختار اجتماعی آنان، به‌ویژه خانواده، به‌وجود آورده‌است. آنان از تغییرات ایجادشده در زندگی‌شان اظهار رضایت می‌کنند و درک مثبتی از آن دارند. یک مطلع محلی می‌گوید:

«ما امکانات تازه را دوست داریم. این وسایل زندگی را بسیار راحت کرده‌اند. مثلاً لباس‌شویی کار زنان در خانه را راحت کرده‌است، ظرف‌شویی هست، تلویزیون هست. تاحدودی کار زن در خانه راحت شده است. مثل گذشته خسته نمی‌شود و بهتر می‌تواند فرزندان خود را تربیت کند.»

خانواده امروزی شده

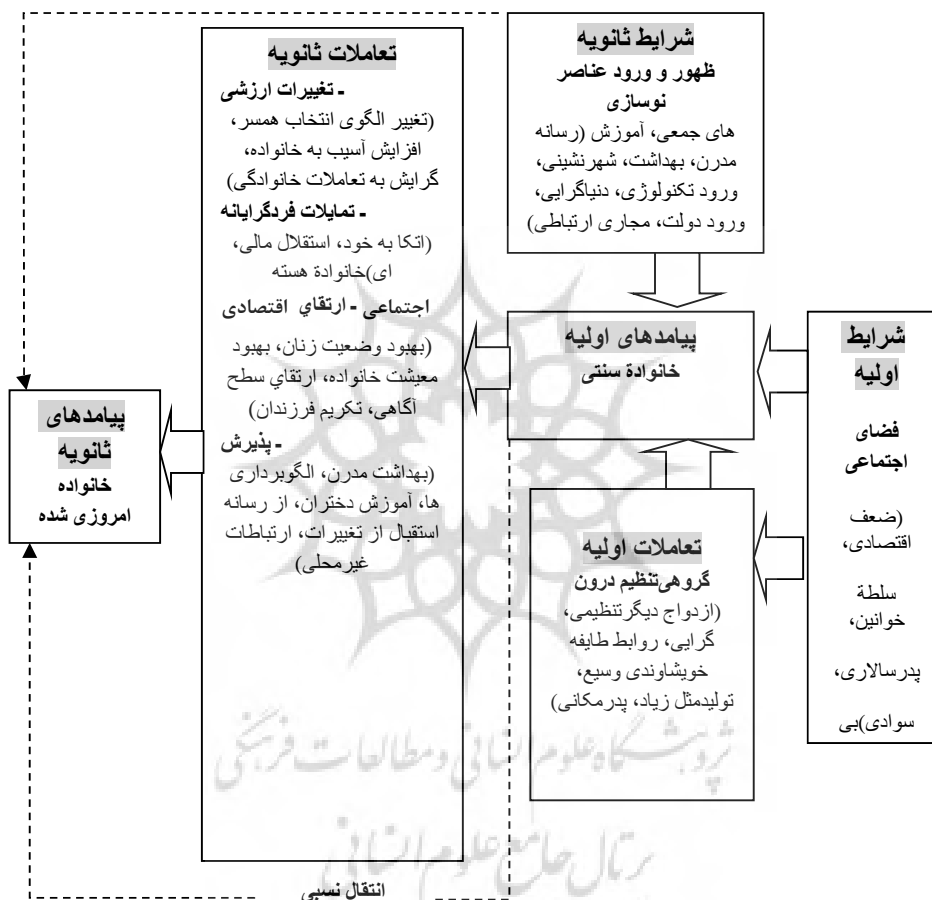
براساس نظر مشارکت‌کنندگان، ورود عناصر نوسازی به جامعه سنتی مریوان مجموعه‌ای از موقعیت‌ها و تعامل‌ها را به‌وجود آورد که زیر عنوان «شرایط ثانویه» و «تعاملات ثانویه» مطرح شده‌است. پیامدهای این شرایط زیر چهار مفهوم تغییرات ارزشی، تعاملات فردگرایانه، ارتقای اقتصادی-اجتماعی و پذیرش مطرح شده‌است که مجموعه این تعامل‌ها در حوزه خانواده و نظام خویشاوندی، نوع جدیدی از خانواده را با عنوان «خانواده امروزی‌شده» شکل داده‌است. یکی از ساکنان بومی درباره مقوله پذیرش می‌گوید:

«وضع خیلی فرق کرده‌است، دختران به مدرسه و دانشگاه می‌روند، بعد که برمی‌گردند کارمند می‌شوند، معلم می‌شوند، اینها که با افراد بی‌سواد ازدواج نمی‌کنند.»

یکی دیگر از ساکنان در زمینه گرایش به خانواده هسته‌ای می‌گوید:

«مردم مثل قدیم به فرزند زیاد علاقه ندارند، پسر و عروس من هر دو کارمند بانک هستند و چهارسال است که با هم ازدواج کرده‌اند و هنوز بچه ندارند. می‌گویند برای بچه‌دار شدن فعلاً زود است».

شکل ۳. الگوی نهایی پارادایمیک تغییرات خانواده به‌مثابه انتقال نسبی



بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، با استفاده از رهیافت روش کیفی و نظریه زمینه‌ای، به مطالعه درک معنایی تغییرات خانواده از منظر بومی‌های جامعه مریوان پرداختیم که در آن سعی شد درک نسبتاً جامعی از تغییرات خانواده در سطح ذهنی معنایی به‌دست آید. براساس یافته‌های صورت‌بندی

شده در شکل ۱، مطابق اظهار نظر ساکنان مریوان، مقوله‌های پیامدی اصلی عبارت‌اند از خانواده سنتی و خانواده امروزی شده، که پاسخ نهایی مسئله اصلی تحقیق، یعنی درک و تفسیر تغییرات ایجاد شده در خانواده و نظام خویشاوندی ساکنان شهر مریوان، قلمداد می‌شود. این مقوله‌ها براساس درک مردم این جامعه از تغییرات ایجاد شده در زیست‌جهان خانواده شکل گرفته‌است. در شکل ۳ الگوی نهایی پارادایمیک تحقیق آمده‌است که مقوله‌های ده‌گانه، براساس سه بعد شرایطی، تعاملی و پیامدی، خط سیر این تغییرات را روایت می‌کنند.

بر مبنای مباحث پیش‌گفته و نیز اظهار نظر محلی‌های مریوان، سلطه خان‌ها، پدرسالاری، ضعف اقتصادی و بی‌سوادی، به‌مثابه مفاهیم اولیه، شرایطی را برای برساخته‌شدن نوع ویژه‌ای از خانواده در گذشته میان مردم این جامعه ایجاد کرده بود. این چهار مفهوم اصلی، با هم، مقوله‌ای محوری به نام «فضای اجتماعی» را به‌وجود آورده‌اند که مؤلفه‌های آن، در گذشته، تعیین‌کننده‌های ساختاری فرافردی ویژگی‌های خانواده بوده‌اند و در نتیجه، در تکوین و شکل‌گیری تعامل‌های اولیه و پیدایش ساختارهای خشن و انعطاف‌ناپذیر نظام خانوادگی و خویشاوندی تأثیر داشتند.

در بستر اقتصادی-اجتماعی این جامعه، مردم در غیاب عوامل بیرونی و نیروهای خارج از این ساختار، در کنار این هنجارها و ارزش‌ها، به زندگی ادامه می‌دادند و با هم در تعامل بودند. از جمله این تعامل‌ها، که در شکل ۳ به آنها اشاره شده‌است، می‌توان به طایفه‌گرایی، ازدواج‌های دیگرتنظیمی، تولیدمثل زیاد، پدرمکانی، و روابط خویشاوندی وسیع اشاره کرد که زیر مقوله اصلی «تنظیم درون‌گروهی» آمده‌است. این مقوله اصلی، پیکربندی و وضعیت خانواده را در گذشته این جامعه نشان می‌دهد در آن، بسیاری از تعامل‌ها به‌صورت درون‌سیستمی در گستره شبکه اجتماعی درون‌فامیلی و عشیره‌ای تنظیم و مدیریت می‌شد. در این نوع خانواده، از آنجاکه هنجارها و ارزش‌های درون‌گروهی ساخت‌های اجتماعی خانواده را ملزم به پیروی از نوعی نظم اجتماعی متمایز کرده بود، تخطی از این نظم دشوار و تاحدودی ناممکن بود. به‌عبارت دیگر، «فضای اجتماعی» آن دوران و «تنظیم درون‌گروهی» در برساخته‌شدن تعامل‌های اجتماعی متفاوت، بر مبنای منابع بومی متمایز، و شکل‌بخشی به خانواده سنتی در آن دوران مؤثر بود.

در جریان گذار و با ورود عناصر نوسازی به‌مثابه پدیده‌ای بیرونی، جامعه مریوان، مانند دیگر جوامع، انواعی از تغییرات را در سطوح مختلف تجربه کرده‌است. براساس دیدگاه ساکنان این منطقه، مهم‌ترین عواملی که باعث ایجاد تغییر در ساختار خانواده و نظام خویشاوندی آن شده‌اند عبارت‌اند از: رسانه‌های جمعی، آموزش مدرن، گسترش بهداشت، شهرنشینی، دنیاگرایی، ورود تکنولوژی، گسترش مجاری ارتباطی، و ورود دولت. بر مبنای فضای مفهومی این مجموعه

مفاهیم زیر عنوان «پدیده نوسازی» صورت‌بندی شد. به عبارت دیگر، با گسترش و نفوذ عناصر نوسازی در این جامعه، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی سنتی آن، از جمله نهاد خانواده، تغییرات بسیاری را تجربه کرده‌است. بر این مبنا، می‌توان ورود نوسازی به این جامعه را همچون «شریط ثانویه» نیروی برون‌سیستمی تلقی کرد. این مقوله و ظهور آن در جامعه مریوان، برخلاف تأثیرات «شرایط اولیه»، زمینه‌های تغییر و دگرگونی را در حوزه خانواده و خویشاوندی فراهم کردند و همچون نیروهای ساختارشکن، گذار از لایه‌های سنتی جامعه، به‌ویژه در حوزه خانواده و نظام خویشاوندی، را میسر کردند.

از دیدگاه مطلعان محلی، ظهور «پدیده نوسازی» به‌منزله شرایط ثانویه، تعامل‌های ثانویه‌ای ایجاد کرد که در شکل ۳ در قالب مفهیمی از این قبیل نشان داده شد: تغییر الگوهای انتخاب همسر، افزایش آسیب‌های خانواده، گرایش به تعامل‌های خانوادگی، اتکا به خود، استقلال مالی، خانواده هسته‌ای، بهبود وضعیت زنان، بهبود سطح معیشت خانواده، ارتقای سطح آگاهی، تکریم فرزندان، بهداشت مدرن، الگوبرداری از رسانه‌ها، آموزش دختران، استقبال از تغییر، و ارتباطات غیرمحلی. همه این مفاهیم به چهار مقوله اصلی «تغییرات ارزشی»، «تمایلات فردگرایانه»، «ارتقای اقتصادی-اجتماعی» و «پذیرش» منتهی شدند. هر یک از این مقوله‌های اصلی، ابعاد از تغییرات تجربه‌شده در نهاد خانواده را، تحت تأثیر عوامل نوسازی، به‌تصویر می‌کشد.

شرایط ثانویه و تعامل‌های ثانویه شکل گرفته در این جامعه، با ورود نوسازی، مقوله هسته‌ای به نام «خانواده امروزی‌شده» را شکل داده‌است. این مقوله مبین شکل و صورت خانواده کنونی در میان مردم شهر مریوان است. براساس مفاهیم اولیه شکل‌دهنده، این مقوله نهایی در شکل ۳ مشاهده می‌شود که ساختار و کارکرد آن با خانواده سنتی متفاوت است و در تمام ابعاد تغییرات متعددی به‌خود دیده‌است. بر این اساس، در الگوی پارادایمیک نهایی در شکل ۳، خط سیر داستانی تغییر «خانواده سنتی» به «خانواده امروزی‌شده» به‌منابۀ «انتقال نسبی خانواده» در میان مردم این جامعه قابل مشاهده است. ارتباط منطقی و معنایی بین مقوله‌های محوری مبین یک مقوله هسته نهایی است. این مقوله نهایی، که کل فرایند دگرگونی در نظام خانواده و خویشاوندی جامعه مریوان را دربرمی‌گیرد، زیر عنوان «انتقال نسبی» آمده‌است. براساس این مقوله، صورت‌های نو و مدرن نهاد خانواده و خویشاوندی، تاحدودی، جانشین شکل سنتی شده است. این نوع خانواده، که در حال حاضر، در این جامعه در حال شکل‌گیری و استقرار است، تاحدود زیادی، در ابعاد گوناگون خود با «خانواده سنتی» فاصله گرفته و با آن متفاوت است.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی خانواده/ ایرانی*، تهران: سمت.
- آزادارمکی، تقی، مهناز زند و طاهره خزایی (۱۳۷۹) «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۶: ۳-۲۹.
- آزادارمکی، تقی و همکاران (۱۳۹۱) «هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، سال سوم، شماره ۱: صفحات ۴۳-۷۷.
- ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۹۰) *روش‌های کاربردی تحقیق: کاربرد نظریه بنیانی*، جلد دوم، تهران: کیهان.
- ازکیا، مصطفی و رشید احمدرش (۱۳۹۱) «تحلیل جامعه‌شناسی پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان: بررسی موردی مناطق روستایی موکریان»، *مجله توسعه روستایی*، دوره چهاردهم، شماره ۲: ۱-۲۴.
- استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۲) *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱ الف) *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه/ روشنگران و مطالعات زنان.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱ ب) *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برناردز، جان (۱۳۸۴) *درآمدی بر مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نی.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۱) *پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی*، ترجمه سیدحمیدرضا حسنی، محمدتقی ایمان و سیدمسعود ماجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بودن، ریمون (۱۳۷۳) *روش‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: علمی.
- رضایی، مهدی (۱۳۹۰) *زمینه‌های فرزندآوری پایین در کردستان ایران: مطالعه موردی شهر سقز*، رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رضایی، مهدی، لطیف پرتوی، و احمد محمدپور (۱۳۹۲) «مدرنیزاسیون، خانواده، و تجربه گذار جمعیت‌شناختی در کردستان ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۱۶: ۱۳۹-۱۶۸.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، چاپ هشتم، تهران: صداوسیما.

- سرای، حسن (۱۳۸۶) «تداوم و تغییر خانواده در بستر گذار جمعیتی»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲: ۳۲-۶۰.
- سیدربیع، فرید (۱۳۷۹) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحول خانواده گسترده به هسته‌ای در تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر نواحی شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- سیلورمن، دیوید (۱۳۹۳) روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: جامعه‌شناسان.
- شکریبگی، عالییه (۱۳۹۰) مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده: درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران، تهران: جامعه‌شناسان.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی زنان و خانواده، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عبدی، عباس (۱۳۹۳) مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران، تهران: نی.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، چاپ پنجم، تهران: نی.
- قادری، امید و احمد محمدپور (۱۳۹۲) «تجارت مرزی و تفسیر مردم از تغییرات جهان زیست خانواده»، مجله راهبرد فرهنگ، شماره ۲۲: صفحات ۶۱ تا ۸۴.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱) طرح تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی، ترجمه اسماعیل سعدی‌پور، تهران: دوران.
- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲) خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) جهان رهاشده: گفتارهایی درباره یک پارچگی جهانی، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی‌الوهاب، تهران: علم و ادب.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلائی‌پور، تهران: طرح نو.
- لاجوردی، هاله (۱۳۷۶) ساختار قدرت در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) واندالیسم، تهران: آن.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹) فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰) روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲) الف) روش تحقیق کیفی: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، جلد اول، تهران: جامعه.

- محمدپور، احمد (۱۳۹۲ ب) روش تحقیق کیفی: مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، جلد دوم، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲ ج) تجربه‌نوسازی، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۰) درآمدی بر روش کیفی، چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) سالنامه آماری استان کردستان، تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) نتایج تفصیلی نفوس و مسکن شهرستان مریوان.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۵ الف) کیفی پژوهی: پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی، جلد اول، تهران: فوژان.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۵ ب) کیفی پژوهی: پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی، جلد دوم، تهران: فوژان.
- نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۰) شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، جلد دوم، ترجمه حسین دانایی‌فرد و حسین کاظمی، جلد دوم، تهران: مهربان‌نشر.
- نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۲) شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه حسین دانایی‌فرد و حسین کاظمی، جلد اول، تهران: مهربان‌نشر.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، ویرایش اول، تهران: طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- Abbasi-Shavazi, M. J. and P. McDonald. (2007). Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the state, in R. Jayakody, A. Thornton. and W. Axinn (eds.), international Family Change: Ideational perspectives. New York: Taylor & Francis Group, LLC, pp: 177-198.
- Aghajanian, A, (2001). Family and Family Change In Iran, In Charles B. Hennon & Timothy H. Brubker(eds) Diversity in Family : A Global Perspective, New York, Wad Wirth publishing company.
- Al-Haj M. (1995) Kinship and Modernization in Developing Societies: The Emergence of Instrumentalized Kinship, Journal of Comparative Family Studies, 26 (3): 311-328.
- Al-Haj, M. (1988) The Changing Arab Kinship Structure: The Effect of Modernization in an Urban Community, University of Chicago Press, Journals Division.
- Buxbaum, D. C. (1978) Chinese Family Law and Social Change, seattle: University of Washington.

- Hirshcnam, C. and N. H. minh. (2002). Tradition and Change in Vietnemes Family Structure in the Red River Delta: Jornal of Marrieage and Family. 64. pp 1063-1079.
- Good, W (1963), world Revolution and family Patterns, London: Free press of Glencoe.
- Jones, G (1981) Malay Marriage and Change in Peninsular Malaysia: Three Decades of Change, population and Developmentreview 7(2): pp 255- 278.
- Lesthaeghe , R and j. surkyn (2002) New Forms of Household Formation in Central and Eastern Europe: Are They Related to Newly Emerging Value Orientations? Interuniversity Papers in Demography, Working Paper . 2002 – 2.
- Lesthaeghe , R. (1983) A century of Demographic and Cultural Change in Western Europe: An Exploration of Underlyng Dimensions, population and Development Review 9(3): pp 414 – 436 .
- Malhotra , A, and A. O. Tsui (1996) Marriage Timing in Sri Lanka: The Role of Modern Norms and Ideas, Jornal of Marriage and The Family, 58(2): pp 476 – 490.
- McDonald, P.(2006) Low Fertility and State Policy , population and Development Riview 5(2) pp: 123- 138.
- Mikheeva, A. (2007) Family Change and New Balance of Family Roles: The Case of Siberia , London Routledge Press.
- Seltzar , j. and et al. (2005) Explaining Family Change and variation: Challenges for Family Demographers, jornal of Marriage and Family, 67: pp 908- 925.
- Thoronton, A, G. Binsork and D. Ghimire (2004), International Networks, Ideas and family Change University of Mishigan, Population Studies Center Report No. 04 – 566.